



بخش آموزش رسانه تفریحی سنتر

کلیک کنید  www.tafrihicenter.ir/edu

 نمونه سوال  گام به گام

 امتحان نهایی  جزوه

 دانلود آزمون های آزمایشی

متوسطه اول : هفتم ... هشتم ... نهم

متوسطه دوم : دهم ... یازدهم ... دوازدهم

www.tafrihicenter.ir

محتوای نوشتاری کتاب عربی زبان قرآن (۲) سال تحصیلی ۱۴۰۰ - ۱۳۹۹	باسمه تعالی گروه آموزشی دوره دوم متوسطه استان فارس	پایه: یازدهم رشته: ادبیات و علوم انسانی درس: پنجم طراح: طیبه عباسی
---	--	---

موضوع: محتوای نوشتاری درس پنجم کتاب عربی پایه یازدهم رشته ادبیات و علوم انسانی

اهداف یادگیری: ۱- متن درس را درست بخواند و ترجمه کند. ۲- جمله وصفیه را بشناسد. ۳- ترجمه اسم نکره و جمله وصفیه را یاد بگیرد و درست ترجمه کند. ۴- بتواند فعل جمله وصفیه را با توجه به فعل عبارت اصلی درست ترجمه کند.

چکیده نکات مهم درس در قالب جمله‌های کوتاه به زبان ساده:

۱- روخوانی صحیح و ترجمه درس ۲- شناخت جمله وصفیه ۳- ترجمه درست اسم نکره با جمله وصفیه

راستگویی

أَلْخُلَّةُ	أَلْصَّدَقُ	أَلْكَفَرُ	أَلْجَهْلُ	أَلْحُرِّيَّةُ	أَلْكَذِبُ
دوستی	راستی	کفر	نادانی	آزادی	دروغ (دروغگویی)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و با راستگویان باشید.

حکایت می‌شود که مردی با گناهان و عیب‌های فراوان بود، از کارهای بدش پشیمان شد

و تلاش کرد که آنها را اصلاح کند، ولی نتوانست. پس نزد مردی شایسته و درستکار رفت

و از او پندی خواست که، او را از ارتکاب گناهان باز دارد، او را به پایبندی به راستگویی نصیحت کرد

و از او بر انجام آن قولی گرفت، هرگاه آن مرد خواست، که گناهی را مرتکب شود

به دلیل وفای به پیمانش از آن خودداری کرد، تا اینکه به مرد شایسته دروغ نگوید.

با گذشت روزها از شرّ گناهانش و عیوبش به دلیل پایبندی‌اش به راستگویی رها شد.

حکایت می‌شود که جوانی، بسیار دروغگو بود، در یکی از روزها در دریا شنا می‌کرد،

تظاهر به غرق شدن کرد، و دوستانش را صدا زد: کمک، کمک ... پس دوستانش به سوی او شتافتند

تا او را نجات دهند، و هنگامی به او رسیدند، بر آنها خندید.

این کار را سه بار تکرار کرد، در مرتبهٔ چهارم موج بالا رفت، و نزدیک بود آن جوان غرق شود.

پس شروع به صدا زدن دوستانش کرد. اما آنها گمان کردند که او دوباره (از نو) دروغ می گوید.

پس به او توجه نکردند، تا اینکه یکی از مردم به سوی او شتافت، و او را نجات داد. جوان به دوستانش گفت:

نتیجهٔ کارم را دیدم، دروغگویی ام نزدیک بود من را بکشد، از امروز هرگز دروغ نخواهم گفت.

این جوان بار دیگر به دروغ گفتن باز نگشت.

خداوند تعالی فرمود:

ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا پروا کنید، و با راستگویان باشید.

راستگویی با خداوند به وسیلهٔ خالص کردن کارها برای او آشکار می شود؛

راستگویی با مردم این است که به دیگران دروغ نگوییم. پیامبر ﷺ فرمود:

خیانت بزرگی است، که به برادرت سخنی را بگویی، که او باور کننده (تایید کننده) تو است، و تو به او دروغ می گویی.

امام علی (ع) فرمود: کسی چیزی را پنهان نکرد، مگر اینکه در لغزش های زبانش و همه جای چهره اش آشکار شد.

بنابر این دروغگو نمی تواند، دروغش را پنهان کند، یا آن را انکار کند. سخن پیامبر ﷺ چه زیباست:

به بسیاری نماز و روزه و بسیاری حج و کار نیک و بانگ نیایششان در شب نگاه نکنید

بلکه به راستگویی و امانتداری شان بنگرید.

عَيْنُ الصَّحِيحِ وَالْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱- ☒ مرد بسیار گناهکار تلاش کرد که خودش را اصلاح کند ولی در آغاز نتوانست.

۲- ☒ مرد درستکار از مرد بسیار گناهکار خواست که به تمام خوبی ها پایبند باشد.

۳- ☒ مرد بسیار گناهکار از گناهان به دلیل وفای به عهدش خودداری کرد.

۴- ☒ نزدیک بود جوان دروغگو غرق شود هنگامی که برای بار سوم دروغ گفت.

۵- ☒ دروغ در لغزش های زبان و همهٔ جای چهره آشکار می شود.

گفتگو: خرید سیم کارت تلفن همراه

خانم زائر

کارمند مخابرات

لطفاً به من سیم کارت بده.	بفرما، آیا کارت شارژ هم می‌خواهی؟
بله؛ لطفاً به من یک کارت شارژ به مبلغ بیست و پنج ریال بده.	می‌توانی موجودی تلفنت را از طریق اینترنت شارژ کنی.
زائر سیم کارت و کارت شارژ می‌خرد، سیم کارت را در تلفن همراهش قرار می‌دهد و می‌خواهد که تماس بگیرد ولی شارژ کار نمی‌کند. بعد نزد کارمند مخابرات می‌رود و به او می‌گوید:	
ببخش، کارت شارژ اشکال دارد.	لطفاً کارت را به من بده. من را ببخش. حق با شماست. کارت را برایت عوض می‌کنم.

اعلموا

الْجُمْلَةُ بَعْدَ النَّكْرَةِ

• انواع صفت:

صفت دو نوع است: ۱- مفرد ۲- جمله

هرگاه صفت، یک اسم باشد مفرد نام دارد و اگر صفت جمله باشد جمله وصفیه نام دارد.

جمله وصفیه: هی جمله تصف النکره (جمله‌ای است که اسم نکره را توصیف می‌کند). وقتی بعد

از اسم نکره جمله‌ای بیاید که آن را توصیف کند جمله وصفیه است.

جمله وصفیه فقط صفت برای اسم نکره واقع می‌شود.

ترجمه اسم نکره با جمله وصفیه:

پس از اسم نکره حرف «که» می‌آید و فعل پس از آن مطابق شرایط جمله ترجمه می‌شود:

- اگر قبل از اسم نکره فعل ماضی و پس از آن ماضی بیاید ماضی دوم به ماضی بعید یا ساده ترجمه می‌شود. مثال:

اِشْتَرَيْتُ الْيَوْمَ كِتَابًا قَدْ رَأَيْتُهُ مِنْ قَبْلُ = امروز کتابی را خریدم که قبلاً آن را دیده بودم / دیدم

- اگر قبل از اسم نکره فعل ماضی و پس از آن مضارع بیاید مضارع به ماضی استمراری ترجمه می‌شود. مثال:

رَأَيْتَ وَلَدًا يَمْشِي بِسُرْعَةٍ = پسری را دیدم که با سرعت راه می‌رفت.

• اگر قبل از اسم نکره فعل مضارع و پس از آن هم مضارع بیاید مضارع دوم به مضارع التزامی یا اخباری ترجمه می‌شود. مثال: أَفْتَشُّ عَنْ مُعْجَمٍ يُسَاعِدُنِي فِي فَهْمِ النُّصُوصِ = دنبال فرهنگ لغتی می‌گردم که مرا در فهم متون کمک کند / می‌کند

• گاهی میان اسم نکره و جمله وصفیه کلمه‌های دیگری فاصله می‌اندازند. مثال: قَرَأْتُ كِتَابًا فِي الْمَكْتَبَةِ يُفِيدُنِي جَدًّا.

• جمله وصفیه می‌تواند هم فعلیه و هم اسمیه باشد.

• دقت کنید هر جمله‌ای که پس از اسم نکره آمد لزوماً وصفیه نیست بلکه باید ارتباط معنایی هم داشته باشند. مثال: رَأَيْتُ الطَّالِبَ فِي شَارِعٍ يَشْتَرِي مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ. یشتري صفت برای شارع نیست زیرا میان آنها ارتباطی وجود ندارد.

• جواب شرط را با جمله وصفیه اشتباه نگیرید. مثال:

مَنْ يَرْحَمُ مَظْلُومًا، يَرْحَمُهُ اللَّهُ. یرحمه الله پس از اسم نکره آمده ولی وصفیه نیست بلکه جواب شرط است.

خود آزمایی: این عبارت را بر اساس قواعد درس ترجمه کن، سپس نوع فعلها

را مشخص کن.

أَعُوذُ	لَا تَشْبَعُ	لَا يَخْشَعُ	لَا يَنْفَعُ	لَا تُرْفَعُ	لَا يُسْمَعُ
مضارع	مضارع نفی	مضارع نفی	مضارع نفی	مضارع نفی، مجهول	مضارع نفی، مجهول

خداوندا، به راستی من به تو پناه می‌برم از نفسی که سیر نمی‌شود (نشود)، از قلبی که فروتنی نمی‌کند (نکند)، از دانشی که سود نمی‌رساند (نرساند)، از نمازی که بالا برده نمی‌شود (نشود) و از دعایی که شنیده نمی‌شود (نشود).

ب: فعلهای متعدی را مشخص کن:

يَهْدِي: أَلْفَعْلُ الْمُتَعَدِّي (هدایت می‌کند) قَرَأْتُ: أَلْفِعْلُ الْمُتَعَدِّي (خواندم)

كَفَرُوا: أَلْفِعْلُ اللازِم (کفر ورزیدند) جَلَسْنَا: أَلْفِعْلُ اللازِم (نشستیم)

تمرینها:

تمرین اول: کدام کلمه از کلمات معجم درس با توضیحات زیر تناسب دارد؟

۱- کَادَ يَغْرُقُ (شنا نمی‌دانست و فریاد زد: کمک، کمک = نزدیک بود غرق شود)

۲- أَضْمَرَ (چیزی را پنهان کرد و آن را دور از دیده‌ها قرار داد)

۳- أَنْكَرَ (آن را دروغ پنداشت و قبولش نکرد = انکار کرد)

۴- كَرَّرَ (یک کار را چند بار انجام داد = تکرار کرد)

۵- كَبَّرَ (بزرگ شد)

تمرین دوم: احادیث را ترجمه کن. سپس آنچه خواسته شده است را ترجمه

کن.

۱- دانش نور و روشنایی است که خداوند آن را در دل‌های دوستانش می‌اندازد. ————— المُبْتَدَأُ: العلمُ -

الفاعل: الله

۲ - فِعْلُ الْأَمْرِ: اخْتَبِرُوا فِعْلُ النَّهْيِ: لَا تَغْتَرَوْا

با نماز و روزه شان فریب نخورید ... اما آنها را هنگام راستگویی و امانتداری بسنجید.

۳- اسْمُ الْمُبَالَغَةِ: الْكَذَّابُ ————— دروغگو را به مشورت نگیر زیرا او همانند سراب دور را برایت نزدیک

و نزدیک را برایت دور می‌کند.

۳- أَلْفَاعِلُ: الصَّادِقُ - الْكَاذِبُ ————— راستگو با راستگویی اش به چیزی می‌رسد که دروغگو با

فریب کاریش به آن نمی‌رسد.

۴- فِعْلُ النَّهْيِ: لَا تُحَدِّثْ ————— هر چیزی را شنیدی به مردم نگو.

تمرین سوم: کلمه نا آشنا را در هر مجموعه با بیان دلیل مشخص کن.

۱- الْفُنُونُ: کلمات این مجموعه بر «اعضای صورت» دلالت دارد ولی «الْفُنُون» به معنای «هنرها» است.

۲- غَازٍ: کلمات این مجموعه بر «اجزای درخت» دلالت دارد ولی «غَاز» به معنای «گاز» است.

۳- الْمَرَحُ: کلمات این مجموعه بر «حیوانات» دلالت دارد ولی «الْمَرَح» به معنای «شادمانی» است.

۴- الطَّنَانُ: کلمات این مجموعه بر «جهات چند گانه» دلالت دارد ولی «الطَّنَان» به معنای «طنین انداز»

است.

۵- الْصَّلَاةُ: کلمات این مجموعه بر «تلفن همراه و متعلقات آن» دلالت دارد ولی «الْصَّلَاةُ» به معنای «نماز» است.

۶- الْإِضَاعَةُ: کلمات این مجموعه به معنای «دوستان» است ولی «الْإِضَاعَةُ» به معنای «از دست دادن» می باشد.

تمرین چهارم: جمله های زیر را ترجمه کن، سپس آنچه از تو خواسته شده است را ترجمه کن.

۱- به روستایی که تصویرش را در دوران کودکی ام دیده بودم (دیدم) مسافرت کردم.

الْمَجْرُورِ بِحَرْفِ جَرٍّ قَرِيهٍ الْمَفْعُولُ: صَوْرَةٌ

۲- بادهای شدیدی وزید که خانه ای را کنار ساحل دریا خراب کرد. - الْمَفْعُولُ: بَيْتاً - الْمُضَافُ إِلَيْهِ: شَاطِئِ الْبَحْرِ -

۳- برنامه ای یافتیم که مرا در یادگیری عربی کمک می کرد. - الْمَفْعُولُ: بَرْنَامَجاً - الْمُضَافُ إِلَيْهِ: الْعَرَبِيَّةُ

۴- کتاب دوستی است که تو را از مصیبت نادانی نجات می دهد. - الْمُبْتَدَأُ: الْكِتَابُ - الْخَبَرُ: صَدِيقٌ

۵- عیدی من را به شگفتی می آورد که در آن نیازمندان خوشحال می شوند (خوشحال شوند).

الْجَمْعُ الْمَكْسَرُ: الْفُقَرَاءُ نون الوقاية: يُعْجِبُنِي

ب- فعل متعدی را از این افعال که در جمله های پیشین آمده است مشخص کن.

شَاهَدْتُ: الْفِعْلَ الْمُتَعَدِّي (دیدم) - خَرَبْتُ: الْفِعْلَ الْمُتَعَدِّي (خراب کرد) - سَافَرْتُ: سَفَرُ كَرْدَم (لازم) - عَصَفْتُ: وَزِيد (لازم)

آزمون تشریحی درس ۵ ادبیات و علوم انسانی

نام و نام خانوادگی:		باسمه تعالی	تاریخ امتحان
نام پدر:		اداره آموزش و پرورش	مدت امتحان : ... دقیقه
نام دبیر: شهرام رضایی		دبیرستان	کلاس
ماده درسی: عربی ۲ انسانی			درس
بارم	الف-مهارت واژه شناسی		
۱	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: الف- ما أَضْمَرَ أَحَدٌ شَيْئاً إِلَّا ظَهَرَ فِي فَلَتَاتِ لِسَانِهِ وَ صَفَحَاتِ وَجْهِهِ. ب- أَخْفَى شَيْئاً وَ جَعَلَهُ بَعِيداً عَنِ الْأَنْظَارِ.		
۱	۲ عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْمُرَادِفَ وَالْمُضَادَّ فِي الْعِبَارَاتِ: هُوَ لَكَ مُصَدِّقٌ وَ أَنْتَ لَهُ كَاذِبٌ. نادى اصحابه لِنَجْدَةٍ فَأَسْرَعُوا إِلَيْهِ لِلْمُسَاعَدَةِ = #.....		
۱	۳ أَكْتُبِ مُفْرَدَ الْكَلِمَاتِ أَوْ جَمْعَهَا: الف- الافاضل: ب- النموذج:		
۱	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى: الف- أَلْعُلُوقُ أَلْفَنُوقُ الْحَمِيرُ الْمَهَارَاتُ ب- أَلْنُصُوقُ الْمُعَاصِرُ أَلْسِيَّاتُ أَلْعُيُوبُ		
	ب- (مهارت ترجمه به فارسی)		
۵	۵ تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ، وَالْآيَاتِ، وَالْعِبَارَاتِ بِالْفَارْسِيَّةِ : ۱- إِرْضَاءُ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرَكُ (./۵) ۲- فَأَسْرَعَ أَصْحَابُهُ إِلَيْهِ لِيُنْقِذُوهُ. (./۵) ۳- اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ. (./۵) ۴- لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ وَ كَثْرَةِ الْحَجِّ (./۷۵) ۵- يَبْلُغُ الصَّادِقُ بِصِدْقِهِ مَا لَا يَبْلُغُهُ الْكَاذِبُ بِاحْتِيَالِهِ. (۱) ۶- يُعْجِبُنِي عِيدٌ يَفْرَحُ فِيهِ الْفُقَرَاءُ.. (۵/نمره) ۷- عَفْواً! فِي بَطَاقَةِ الشَّحْنِ إِشْكَالٌ.. (۵/نمره) ۸- كَادَ الشَّابُّ الْكَذَّابُ يَغْرُقُ عِنْدَمَا كَذَبَ لِلْمَرَّةِ الثَّانِيَةِ.. (./۷۵)		
۱/۵	إِنْتَخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ: ■ نشاهدُ سنجاباً يقفزُ من شجرة إلى شجرة..		

		الف-سنجایی را دیدیم که از درختی به درختی می پرد. ☐ ب- سنجایی را می بینیم که از درختی به درختی می پرد ☐ ■ نَبَحْتُ عَنْ مُدْرَسٍ يُسَاعِدُنَا فِي تَعْلِيمِ الدَّرُوسِ: الف- از مدرسی جستجو می کنیم که در یاد دادن درسها به ما کمک کند. ☐ ب-از مدرسی جستجو کردیم که در آموختن درسها به ما کمک می کرد.. ☐ ■ لَنْ يَلْتَفِتُوا إِلَيْهِ حَتَّى يُسْرَعَ إِلَيْهِ أَحَدُ النَّاسِ الف- هرگز به توجه نخواهند کرد تا مردم به سوییشتابند. ☐ ب- به سوییشتوجهی نکردن تا این که مردم به سوییشتافتند ☐	
۱/۵	۷	كَمِّلِ الْفَرَاجَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَّةِ: ۱-سامحینی؛ أَنْتِ عَلَى الْحَقِّ. أَبَدِّلْ لَكَ الْبِطَاقَةَ. تو برحق هستی را برای تو..... ۲-اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُقطعاً من به تو از نفسی که	
		ج- مهارت شناخت کاربرد قواعد	
۲	۸	تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ مُطَابِقاً لِقَوَاعِدِ تَرْجَمَةِ الْأَفْعَالِ الف- أَشْتَرَيْتَ الْيَوْمَ كِتَاباً قَدْ رَأَيْتَهُ مِنْ قَبْلُ؟ / ب- مَا كَانَ يَعْرِفُ السَّابَّاحَةَ وَلَكِنْ طَلَّبَ أَنْ يُسَاعِدَ أَخِيهِ...../..... ج- كَادَ يَقْتُلُنِي فَلَنْ أَكْذِبَ بَعْدَ الْيَوْمِ/..... د- قَدْ سَافَرْنَا إِلَى قَرْيَةٍ نَشَاهِدُ صُورَتَهَا أَيَّامَ صِغَرِي...../.....	
۷۵/	۹	عَيِّنِ الْفِعْلَ الْمُنَاسِبَ لِلْفَرَاغِ: الف -الْفَرِيقَانِ مَرَّةً ثَانِيَةً قَبْلَ سَنَةٍ تَعَادَلَا تَعَادَلُ ب -رِسَالَةً مِنْ أَخِي بَعْدَ سَنَتَيْنِ سَلَّمْتُ يَدْفَعُونَ ج - الْجُنُودُ عَنِ الْوَطَنِ دَفَعَ أَسْلَمُوا	
۱	۱۰	عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُعَيَّنَةِ: (۱) عَصَفَتْ رِيَّاحٌ شَدِيدَةٌ خَرَبَتْ بَيْتاً جَنْبَ الشَّاطِئِ الْبَحْرِ (۲) فِي الْمَرَّةِ الرَّابِعَةِ ارْتَفَعَ الْمَوْجُ	
		مهارت درک وفهم	
۲	۱۱	الف -إِنْتَخِبِ الْكَلِمَةَ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ التَّوْضِيحَاتِ؟(كلمتان زائدتان) الفرق - السَّوَار - الشَّاب - التَّخْلَص - كَرَّر - التَّزَم	

١٥	١-سُقُوطُ الْإِنْسَانِ فِي نَهْرٍ أَوْ بَحْرٍ..... ٢-نَجَاةُ الْإِنْسَانِ مِنْ عِيُوبِهِ وَ سَيِّئَتِهِ:..... ٣ -الانسان في بداية عمره..... ٤-عَمِلَ عَمَلًا عَدَّةَ مَرَّاتٍ:..... ب -عَيَّنِ الصَّحِيحَ وَ الْخَطَأَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ. الف - عندما يكذب شخص عدَّةَ مرَّاتٍ لايَعْتَمِدُ الْآخَرِينَ عَلَيْهِ. ☐ ب- الموعظةُ يُؤَثِّرُ عَلَى الْإِنْسَانِ الْخَاطِئِ دَائِمًا. ☐ ج - إقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَ وَأَجِبْ عَنِ الْاسْئَلَةِ؟ يُحْكِي أَنَّ رَجُلًا كَانَ كَثِيرَ الْمَعَاصِي وَ الْعُيُوبِ فَتَدِمَ عَلَى أَعْمَالِهِ السَّيِّئَةِ وَ حَاوَلَ أَنْ يُصْلِحَهَا فَمَا اسْتَطَاعَ فَذَهَبَ إِلَى رَجُلٍ فَاضِلٍ صَالِحٍ وَ طَلَبَ مِنْهُ مَوْعِظَةً تَمْنَعُهُ عَنِ ارْتِكَابِ الْمَعَاصِي فَنَصَحَهُ بِالتَّزَامِ الصَّدَقِ وَ أَخَذَ مِنْهُ عَهْدًا عَلَى ذَلِكَ فَكَلَّمَا أَرَادَ الرَّجُلُ أَنْ يَرْتَكِبَ ذَنْبًا امْتَنَعَ عَنْهُ لَوْفَائِهِ بِالْعَهْدِ حَتَّى لَا يَكْذِبَ عَلَى الرَّجُلِ الْفَاضِلِ وَ بِمُرُورِ الْأَيَّامِ تَخَلَّصَ مِنْ شَرِّ ذُنُوبِهِ وَ عُيُوبِهِ لِلتَّزَامِ بِالصَّدَقِ. ١ - لماذا ذهب رجل الكثير المعاصي إلى الرجل الفاضل؟ ٢- بِأَيِّ شَيْءٍ نَصَحَهُ الرجل؟ د - عَيَّنِ الصَّحِيحَ وَ الْخَطَأَ عَلَى حَسَبِ النَّصِّ؟ الف - إلتزام الشخص المذنب بالصدق يَمْتَنَعُهُ عَنِ إِرْتِكَابِ الْمَعَاصِي. ☐ ب-المذنبُ اسْتَطَاعَ أَنْ يُصْلِحَ أَعْمَالَهُ السَّيِّئَةَ نَفْسَهُ . ☐	
١٥	١	
٢٥	١٢ مهارة مكالمه أجب عن السؤال: الف - تَشَحَّنُ - انترنت - عبر - كيف - جوال - رصيد؟	
٢٠	وَفَقَّكُمْ اللَّهُ	

کلید سوالات تشریحی درس ۵ یازده انسانی

۱- الف - فَلَتَات : لغزشه لَوَجْهه: گونه اش

ب- أَخْفَى : مخفی کرد / الأنظار: دیدگان - چشمها

۲- مُصَدِّقٌ # کاذب نادى = المُسَاعَدَةُ

۳- الف - الافاضل: افضل ب- النّمودج: النماذج

۴- الف - الحمير ■ ب- النصوص ■

۵- ۱- راضی کردن مردم (۲۵/) هدفی است که به دست نمی آید (۲۵/)

۲- یارانش به سویش شتافتند (۲۵/) تا او را نجات دهند (۲۵/)

۳- کسی چیزی را پنهان نکرد (۲۵/) جز آن که در لغزشهای زبانش آشکار شد. (۲۵/)

۴- به زیادی نمازشان (۲۵/) و روزه و حجشان (۲۵/) نگاه نکنید (۲۵/)

۵ - راستگو با راست گویی اش به چیزی می رسد که (۵/) دروغگو با فریب کاری اش به آن نمی رسد. (۵/)

۶- (خوشم می آید / مرا به شگفتی وامی دارد) (۲۵/) عیدی که در آن تهیدتان شاد می شوند (۲۵/)

۷- لطفاً/معذرت میخواهم کارت شارژ (۲۵/) عیبی هست (۲۵/)

۸- جوان دروغگو (۲۵/) چیزی نمانده بود / نزدیک بود (۲۵/) برای بار دوم غرق شود (۲۵/)

۹- هر جمله نیم نمره دارد

■ - سنجابی را می بینیم که از درختی به درختی می پرد

■ از مدرسی جستجو می کنیم که در یاد دادن درسها به ما کمک کند.

■ هرگز به توجه نخواهند کرد تا مردم به سویش بشتابند.

۷- ۱- مرا ببخشش / شارژ/عوض می کنم // ۲- خدایا / پناه می برم / سیر نمی شود

۸- الف - خریدی / دیده ای ب- نمی شناخت / کمک بکند

ج- نزدیک بود مرا بکشد/دروغ نخواهم گفت

د- سفر کرده ایم/ مشاهده می کردیم

۹- الف- يَتَعَادَلَانِ ب- اِسْتَلَمْتُ ج- يُدَافِعُونَ

۱۰- (۱) رِيَا حُ (فاعل) شَدِيدَةً (صفت) بَيْنًا (مفعول) (۲) فِي الْمَرَّةِ (جار ومجرور)

۱۱- الف- الغرق - السَّوَار - الشَّاب - التَّخَلُّص - كَرَّرَ-التَّزَمَ

۱-الغرق ۲- التخلُّص ۳-الشَّاب ۴-كَرَّرَ-

ب - الف- صحيح ب-خطأ

ج- ۱ - لاصلاح اعماله السيئه ۲- الالتزام بالصدق

د- الف- صحيح ب-خطأ

۱۲- عبر الإنترنت

سوالات تستی درس پنجم

(تهیه کننده: شهرام رضایی)

۱- عَيِّن التَّرْجُمَةَ الصَّحِيحَةَ لِمَا تَحْتَهُ خَطًّا:

حينما كنتُ قد تصادمنا السيَّارة ، والدي يسوقها.

۱) رانندگی می کند. ۲) می راند ۳) هدایت کرد ۴) رانندگی کرده بود

۲- عَيِّن الصَّحِيحَ: يَبْلُغُ الصَّادِقُ بِصَدَقِهِ مَا لَا يَبْلُغُهُ الْكَاذِبُ بِإِحْتِيَالِهِ: راستگو....

۱) با صداقت خویش آنچه را بدست می آورد که دروغگو با فریب کاری بدست نمیآورد.

۲) با راستگویی اش به چیزی می رسد که دروغگو با فریب کاریش به آن نمی رسد.

۳) به وسیله راستی خویش خود را به چیزی می رساند که دروغگو با نیرنگش بدان نمی رسد.

۴) به صداقت خویش به چیزی می رسد و دروغگو با فریب کاری بدان نمی رسد.

۳- لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ :

(۱) به خوبی نمی رسید تا این که انفاق بکنید چیزی را که دوست داشته اید.

(۲) به نیکی دست نخواهید یافت تا آنچه دوست می داشتید ، انفاق کنید.

(۳) به خوبی ها دست نخواهید یافت جز این که هر آنچه دوست می دارید انفاق کنید.

(۴) نیکی را بدست نخواهید آورد تا این که انفاق بکنید از آنچه دوست دارید.

۴- ای مضارعٍ یختلِفُ عن الباقي فی المعنی:

(۱) البلادُ الاسلامیَّةُ تَخْتَلِفُ فی لُغَاتِهَا و أَلْوَانِهَا

(۲) یَتَجَلَّى اتِّحَادُ الْأُمَّةِ الْإِسْلَامِیَّةِ فی صُورٍ کَثِیرَةٍ

(۳) لِلْغُرَابِ صَوْتُ یُحَدِّثُ بَقِیَّةَ الْحِیْوَاناتِ حَتَّى تَبْتَعِدَ

(۴) هَذِهِ الْأَضْوَاءُ تَنْبَعُ مِنَ الْبَکْتَرِیَا الَّتِی تَعِیشُ تَحْتَهَا

۵- عَیِّنْ مَا یَخْتَلِفُ عَنِ الْبَقِیَّةِ مِنْ حِیْثُ الْمَعْنَى:

(۱) لَنْ (۲) لَ (۳) کَى (۴) حَتَّى

۶- عَیِّنِ الْخَطَأَ فی التَّرَادُفِ وَ التَّضَادِّ:

(۱) اسْتَطَاعَ = قَدَرَ / إِحْسَانَ # إِسَاءَةً (۲) مِنْ فَضْلِكَ = رَجَاءً / جَاهِزٌ # حَاضِرٌ

(۳) نُفَايَةٌ = زَبَالَةٌ / سِلْمٌ # حَرْبٌ (۴) بَنَى = صَنَعَ / ظَلَامٌ # ضِیَاءٌ

۷- عَیِّنِ الْجُمْلَةَ الَّتِی فِیْهَا الْأَسْمَاءُ الْمُتَرَادِفَةُ وَالْمُضَادَّةُ مَعاً:

(۱) قَلِيلٌ مِنْ «التَّلَامِیْذِ سَوْفَ یُواجِهونَ مَشاکِلَ وَ صَعُوباتٍ کَثِیرَةً.

(۲) بَعْضُ الْخُلُقِ تَجْمَعُ لى خَیرِ الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ.

(۳) عَسَى أَنْ تَکْرَهُوا شَیْئاً وَ هُوَ خَیرٌ لَکُمْ وَ عَسَى أَنْ یُحِبُّوا شَیْئاً وَ هُوَ شَرٌّ لَکُمْ.

(۴) کُنْ صَادِقاً مَعَ نَفْسِکَ وَمَعَ الْآخَرِینَ فی حَیَاتِکَ.

۸- عَیِّنِ الْفِعْلَ مَعْنَاهُ مُضَارِعاً:

(۱) شَاهَدْتُ مُعَلِّماً یُدْرِسُ اللُّغَاتِ الْمُخْتَلِفَةَ فی الصَّفِّ

۲) فَهِمْتُ أَنَّ صَدِيقَ سَيِّذِهِبُ مِنْ هُنَا

۳) لَنْ نَقْدِرَ عَلَى التَّقَدُّمِ فِي الْعُلُومِ الْمُخْتَلِفَةِ

۴) قَرَّرَ الطَّلَابُ حَتَّى يَغِيبُوا عَنِ الْآخِرِينَ.

۹- مَا هُوَ الصَّحِيحُ فِي الْمَفْهُومِ «لَا تَحْدُثُ بِكُلِّ مَا سَمِعْتَ بِهِ»

۱) لَا تَكْذِبُ النَّاسَ لِإِنَّهُمْ سَيَعْلَمُونَ ۲) لَا تَقُلْ كُلَّ مَا تَعْلَمُ وَلَوْ كَانَ صِدْقًا

۳) لَا تَصْدُقْ دَائِمًا بَلْ إِكْذِبْ بَعْضَ الْآحْيَانِ ۴) لَا تَقُلْ عَيْبَ النَّاسِ حَتَّى لَا يَحْزَنُوا

۱۰- عَيِّنِ الصَّحِيحَ مِمَّا تَحْتَهُ خَطٌّ :

۱) أَرْسَلَ اللَّهُ الْأَنْبِيَاءَ لِيَهْدُوهُمْ : تَا هِدَايَتِ شُونَد.

۲) أَسْأَلُكُمْ أَنْ تُحَاوِلُوا فِي أَدَاءِ وَظَائِفِكُمْ : تَا تَلَّاشِ كَنِيْد

۳) آيَاتُ اللَّهِ فِي الطَّبِيعَةِ كَثِيرَةٌ لِنَتَبَّهِ الْإِنْسَانَ : بَرَايِ اَيْنِ كِهْ بِفَهْمِد-

۴) أَسَافِرُ كَيَ أَفْتَشُ عَنْ مَوْضِعِ مُهِمٍّ : تَابِرْغَرْد

پاسخنامه آزمون تستی

سوال	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
جواب	۲	۲	۴	۳	۱	۲	۳	۴	۲	۲